

## درس اول: بی‌نامه

سرآرشی

(ریاضی ۹۲)

مر زبان را مشتری جز گوش نیست  
وحشی‌ای باید که بر لب گیرد این پیمانه را  
که حریفان همه در خواب گران‌اند هنوز؟  
مس تابیده‌ای آور که گیرد در تو اکسیرم

(فارع از کشور ۹۱)

پس سخن کوتاه باید والسلام  
چو درد در تو نبیند که را دوا بکند  
با طبیب نامحرم حال درد پنهانی  
کاین حال نیست زاهد عالی‌مقام را

(انسانی ۹۰)

پس سخن کوتاه باید والسلام  
صوفی نشود صافی تا درنکشد جامی  
خام از عذاب سوختگان بی‌خبر بود  
که مگو حال دل سوخته با خامی چند

(زبان ۹۰)

هم مـرهم و هم جراحـت دل  
دل فدای او شد و جان نیز هم  
هم‌چو نی دمساز و مشتاقی که دید؟  
گر دردمند عشق بنالد غریب نیست

(ریاضی ۸۸)

می‌تپد تا باز در دریا فتد  
مر این حدیث مسلم هم این مثل مضروب (= زده شده)  
باز شود جزو بی‌گمان به سوی کل  
جز تشنه لب نیامد و جز ناشتا نشد

(تجربی ۸۸)

«آن‌چه در این نی آوازی پدید می‌آورد، کشش انسان آگاه به سوی عالم معنا، به سوی پروردگار، به سوی کل و حقیقت هستی است و در حقیقت، این «نی عشق» را پروردگار می‌نوازد و فریاد مولانا هنگامی از نی وجودش برمی‌خیزد که جذبه‌ی حق بر او اثر می‌گذارد.»

یوسفی هست دریا که خریداری نیست  
ترسم ای دوست که بادی ببرد ناگهام  
ای کم از شبنم، تو هم آینه را پرداز ده  
پرواز دل به سوی خدا می‌برد مرا

(هنر ۸۸)

زان‌که خرمایی ندارد شاخ بید  
باز ما را سوی گردون برکشید  
کز رسولانش پیایی شد نوید  
ای نهانان سوی بوی آن پرید

۱- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- ۱) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست
- ۲) می ز رطل عشق خوردن کار هر بی‌ظرف نیست
- ۳) ساقیا در قدح باده چه پیمودی دوش
- ۴) دل بی‌سوز کم گیرد نصیب از صحبت مردی

۲- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- ۱) درنیابد حال پخته هیچ خام
- ۲) طبیب عشق مسیحا دم است و مشفق، لیک
- ۳) پیش زاهد از رندی دم مزین که نتوان گفت
- ۴) راز درون پرده ز رندان مست پُرس

۳- مفهوم همه‌ی ابیات، به استثنای بیت ..... با یکدیگر تناسب دارد.

- ۱) درنیابد حال پخته هیچ خام
- ۲) بسیار سفر باید تا پخته شود خامی
- ۳) با نیم‌پختگان نتوان گفت سوز عشق
- ۴) پیر میخانه چه خوش گفت به دُرْدی‌کش خویش

۴- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

- ۱) ای درد و غم تو راحت دل
- ۲) دردم از یار است و درمان نیز هم
- ۳) هم‌چو نی زهری و تریاقی که دید؟
- ۴) دردیست درد عشق که هیچش طبیب نیست

۵- مفهوم بیت «ما ز دریا بیم و دریا می‌رویم / ما ز بالا بیم و بالا می‌رویم» با کدام بیت تناسب ندارد؟

- ۱) ماهی از دریا چو در صحرای فتد
- ۲) به اصل باز شود فرع و هست نزد خرد
- ۳) جزو جهان است شخص مردم روزی
- ۴) سیری طلب مکن که کس اندر نشیب خاک

۶- متن زیر با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

- ۱) یار از پرده هویدا شد و یاران غافل
- ۲) ذره‌ی خاکم و در کوی تو ام جای خوش است
- ۳) شبنم از روشن‌دلی آینه‌ی خورشید شد
- ۴) با بال شوق، ذره به خورشید می‌رسد

۷- مفهوم بیت «ما ز دریا بیم و دریا می‌رویم / ما ز بالا بیم و بالا می‌رویم» با کدام بیت تناسب دارد؟

- ۱) همچو مریم سوی خرمابن رویم
- ۲) ما ز گردون سوی مادون آمدیم
- ۳) برنشین ای عزم و منشین ای امید
- ۴) دود و بویی می‌رسد از عرش غیب



# ۸- مفهوم عبارت «کَلَّ شَيْءٌ يَرْجِعُ إِلَى أَصْلِهِ» در کدام بیت وجود ندارد؟

(ریاضی ۸۷)

سیر جان، پا در دل دریا نهاد  
اصلها مر فرعها را در پی است  
تن تو را در حبس آب و گل کشد  
تن، زده اندر زمین چنگالها

۱) سیر جسم خشک، بر خشکی فتاد  
۲) مادر فرزند، جویان وی است  
۳) دل تو را در کوی اهل دل کشد  
۴) جان، گشاده سوی گردون بالها

## ۹- بیت «درنیابد حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید، والسلام» با کدام بیت ارتباط معنایی ندارد؟

(ریاضی ۸۷)

هرگز نبرد سوخته‌ای قصه به خامی  
که مگو حال دل سوخته با خامی چند  
کامروز آتش عشق، از وی نبرد خامی  
سوخته داند که چیست پختن سودای خام

۱) سعدی سخن یار نگوید بر اغیار  
۲) پیر می‌خانه چه خوش‌گفت به دردی‌کش خویش  
۳) فردا به داغ دوزخ ناپخته‌ای بسوزد  
۴) هر که در آتش نفت بی‌خبر از سوز ماست

## ۱۰- مفهوم بیت زیر در کدام گزینه وجود ندارد؟

(تمرینی ۸۷)

پس سخن کوتاه باید، والسلام  
پخته داند کاین سخن با خام نیست  
چون باده ز خامی نبود جوش و خروشم  
و آن را خبر از آتش ما نیست که خام است  
عجب از سوختگی نیست که خامی عجب است

«درنیابد حال پخته هیچ خام»  
۱) تا نسوزد برنیاید بوی عود  
۲) فریاد من از سوختگی‌هاست چو آتش  
۳) دردا که بپختیم در این سوز نهانی  
۴) آتش روی تو زین‌گونه که در خلق گرفت

## ۱۱- بیت «بگو ای نای، حال عاشقان را / که آواز تو جان می‌آزماید» با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟

(هنر ۸۷)

تو بمان، ای آن‌که چون تو پاک نیست  
هر که بی‌روزی‌ست، روزش دیر شد  
قصه‌های عشق مجنون می‌کند  
لیک کس را دید جان دستور نیست

۱) روزهاگر رفت، گو رو پاک نیست  
۲) هر که جز ماهی، ز آبش سیر شد  
۳) نی حدیث راه پر خون می‌کند  
۴) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست

## ۱۲- بیت «سینه خواهم شرحه شرحه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق» با کدام بیت تناسب معنایی ندارد؟

(فارغ از کشور ۸۷)

هم‌نفسی تا کند درد دلم را دوا  
و گر گویی کسی هم‌درد باید  
که دل چه می‌کشد از روزگار هجرانش  
بیچاره درد می‌خورم و نعره می‌زنم

۱) پای نهم در عدم بو که به دست آورم  
۲) حدیث عشق جانان گفتنی نیست  
۳) کجاست هم‌نفسی تا به شرح عرضه دهم  
۴) دردی نبوده را چه تفاوت کند که من

## ۱۳- بیت «زمانه گر بزند آنشم به خرمن عمر / بگو بسوز که بر من به برگ کاهی نیست» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟

(فارغ از کشور ۸۶)

به من بنگر به ره منگر که من ره را نوردیدم  
روزها با سوزها همراه شد  
تو بمان، ای آن که چون تو پاک نیست  
شور محبتی که در آب و گل من است

۱) بگفتم روز بی‌گاه است و ره بس دور، گفتا رو  
۲) در غم ما روزها بی‌گاه شد  
۳) روزهاگر رفت، گو رو، پاک نیست  
۴) طوفان نوح را به نظر درنیآورد

## ۱۴- «آن را که خبر شد، خبری باز نیامد» با همه‌ی ابیات، به جز بیت ..... قرابت مفهومی دارد.

(تمرینی ۸۵)

مر زبان را مشتری جز گوش نیست  
سخن را چنین خوارمایه مدار  
که داروی بی‌هوشی‌اش دردهند  
جان برون آید و نیاید راز

۱) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست  
۲) سخن ماند از تو همی یادگار  
۳) کسی را در این بزم ساغر دهند  
۴) از تن دوست در سرای مجاز

## ۱۵- مفهوم بیت «خلق چو مرغایان زاده ز دریای جان / کی کند این جا مقام مرغ کز آن بحر خاست» کدام است؟

(انسانی ۸۳)

ز حیوان کم نشاید بودن ای دل  
لیک کس را دید جان دستور نیست  
بازجوید روزگار وصل خویش  
قضا همی‌بردش تا به سوی دانه و دام

۱) به صوت خوش چو حیوان است مایل  
۲) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست  
۳) هرکسی کاو دور ماند از اصل خویش  
۴) کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید

۱۶- در همهی ابیات، به جز بیت ..... کلمه‌ای وجود دارد که به شیوه‌ی نمادین و تمثیلی، بر عاشق و عارفِ واصل دلالت می‌کند. (ریاض ۸۱)

۱) پس سخن کوتاه باید، والسّلام  
تا بگویم شرح درد اشتیاق  
مر زبان را مشتری جز گوش نیست  
هرکه بی‌روزی‌ست، روزش دیر شد

۱) درنیابد حال پخته هیچ خام  
۲) سینه خواهم شرحه‌شرحه از فراق  
۳) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست  
۴) هرکه جز ماهی، ز آبش سیر شد

(زبان ۸۱)

۱۷- مفهوم بیت «سَر من از ناله‌ی من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست» با کدام گزینه متناسب است؟

این چه می‌گویم نه احوال من است  
وز گل عزیزتر، چه ستانی به سیم گل  
جرمش این بود که اسرار هویدا می‌کرد  
از نکته خود نیست به هر حال جدا گل

۱) حال من اکنون برون از گفتن است  
۲) ای گل فروش، گل چه فروشی به جای سیم  
۳) گفت: آن یار کز او گشت سر دار بلند  
۴) رنگین سخنان در سخن خویش نهانند

(هنر ۷۹)

۱۸- در کدام گزینه «تضاد» وجود ندارد؟

جفت بدحالان و خوش حالان شدم  
پس سخن کوتاه باید، والسّلام  
همچو نی دمساز و مشتاقی که دید  
تا بگویم شرح درد اشتیاق

۱) من به هر جمعیتی نالان شدم  
۲) درنیابد حال پخته هیچ خام  
۳) همچو نی زهری و تریاقی که دید  
۴) سینه خواهم شرحه‌شرحه از فراق

● آزمایشی سنجش

(سنجش ۹۲)

۱۹- مفهوم کدام بیت با سایر ابیات متفاوت است؟

آدم آورد در این دیار خراب آبادم  
که به گوش ملک‌العرش رسد فریادم  
یک نظر دیدم و تاوان دو عالم دادم  
آدم انداخت در این دخمه‌ی غم‌بنیادم

۱) من ملک بودم و فردوس برین جایم بود  
۲) مرغ باغ ملک‌وتم قفسم در نگشود  
۳) یک نگاه تو ام از نقد دو عالم بس بود  
۴) قصر غلمان و سراپرده‌ی حورانم بود

(سنجش ۹۲)

۲۰- کدام گزینه با مصراع «محرم این هوش جز بی‌هوش نیست» ارتباط معنایی ندارد؟

شرح آن آتش ندارد جز زبانی سوخته  
نمی‌فهمد به جز مجنون دگر کس شرح احوال  
زیرا که نور عشق به ذرات ملحق است  
باقی نمی‌توان گفت الا به غمگساران

۱) قصه‌ی سوز دل پروانه را از شمع پرس  
۲) کتاب مشکلات عشق من نحو دگر باشد  
۳) بی‌بهره هیچ ذره ز خورشید عشق نیست  
۴) چندی کنم حکایت شرح این قدر کفایت

(سنجش ۹۰)

۲۱- مفهوم سخن مشهور «کلّ شیء یرجع الی اصلیه» با کدام گزینه متناسب است؟

مگر گردی چو جان و عقل هم والی و هم والا  
که این آن نوبه‌اری نیست کش بی مهرگان بینی  
که سوی کلّ خود باشد همیشه جنبش اجزا  
به مرو آ تاکنون در گل تن البارسلان بینی

۱) تواز خاکی، بهسان خاک تن درده در این پستی  
۲) بدین زور و زر دنیا چو بی‌عقلان مشو غره  
۳) پس اکنون گر سوی دوزخ گرایی بس عجب نبود  
۴) سر البارسلان دیدی ز رفعت رفته برگردون؟

(سنجش ۸۹)

۲۲- مفهوم جمله‌ی مشهور «کلّ شیء یرجع الی اصلیه» از کدام بیت دریافت نمی‌شود؟

شعشعه‌ی این خیال زان رخ چون والّحاست  
باز همان جا رویم جمله که آن شهر ماست  
زین دو چرا نگذریم منزل ما کبریاست  
باز چو کشتی شکست نوبت وصل و لقا است

۱) بوی خوش این نسیم از شکن زلف اوست  
۲) ما به فلک بوده‌ایم یار ملک بوده‌ایم  
۳) خود ز فلک برتریم وز ملک افزون‌تریم  
۴) آمد موج السّت کشتی قالب بیست

(سنجش ۸۸)

۲۳- مولوی در کدام بیت می‌گوید که «هر کس از عشق بی‌بهره باشد، روزگارش تباه و بیهوده می‌شود.»؟

پرده‌هایش پرده‌های ما درید  
روزها با سوزها همراه شد  
هرکه بی‌روزی‌ست روزش دیر شد  
مر زبان را مشتری جز گوش نیست

۱) نی، حریف هرکه از یاری برید  
۲) در غم ما روزها بی‌گاه شد  
۳) هرکه جز ماهی، ز آبش سیر شد  
۴) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست



۲۴- «نی‌نامه»ی مولانا به‌رغم آن که به نیایش‌های متداول و مرسوم شبیه نیست، از این نظر نوعی نیایش تلقی شده است که .....

- (۱) توجّه به حق در تاروپود آن نهفته است. (۲) در عین دردآفرینی درمان‌بخش نیز هست. (سنجش ۸۶)  
(۳) تنها با چشم و گوش دل می‌توان آن را درک کرد. (۴) در قالب مثنوی است و از تقید به ردیف و قافیه آزاد است.

۲۵- مفهوم بیت «من به هر جمعیتی نالان شدم / جفت بدحالان و خوش حالان شدم» ناظر به کدام ویژگی نمادین «نی» است؟ (سنجش ۸۴)

- (۱) انحناء (۲) انحصار (۳) انعطاف (۴) انعکاس

۲۶- با توجّه به بیت «به راه اندر شتاب تو چنان باد / که گردت را نیابد در جهان باد» کدام گزینه نادرست است؟ (سنجش ۸۴)

- (۱) بیت ردیف دارد. (۲) آرایه‌ی کنایه در بیت وجود دارد.  
(۳) آرایه‌ی جناس تام در بیت مشاهده می‌شود. (۴) هر دو کلمه‌ی پایانی مصراع‌ها کلمات قافیه‌اند.

۲۷- همه‌ی کلمه‌ها در نی‌نامه‌ی مولوی، به‌جز کلمه‌ی ..... اشاره به «عارف واصل و عاشق هجران‌دیده» است. (سنجش ۸۳)

- (۱) نی (۲) ماهی (۳) هوش (۴) بی‌هوش

۲۸- در همه‌ی گزینه‌ها، به‌جز گزینه‌ی ..... به دردآشنایی عارف دل‌سوخته اشاره شده است. (سنجش ۸۲)

- (۱) هر کسی از ظنّ خود شد یار من (۲) هرکه جز ماهی ز آتش سیر شد  
(۳) سینه‌ی خواهم شرحه‌ی شرحه از فراق (۴) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست

۲۹- کدام گزینه بیان‌گر مفهوم درست بیت «نی، حریف هرکه از یاری برید / پرده‌هایش پرده‌های ما درید» است؟ (سنجش ۸۲)

- (۱) نی با نغمه‌های سوزناک خود، اسرار نهفته‌ی عاشق ناکام را فاش می‌کند.  
(۲) نوای نی، رقیب عاشقان ناکام است و رازشان را افشا می‌کند.  
(۳) ناله‌ی نی پرده‌ها را کنار می‌زند و عاشق و معشوق را در جمع رسوا می‌کند.  
(۴) نی با عشق همراهی و هم‌دردی می‌کند و مانند او به ناله و فریاد می‌پردازد.

۳۰- در کدام گزینه آرایه‌ی «جناس» وجود دارد؟ (سنجش ۸۱)

- (۱) پرده‌هایش پرده‌های ما درید (۲) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست  
(۳) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست (۴) هرکه جز ماهی ز آتش سیر شد

## درس دوم: مناجات

سراسری

۳۱- مفهوم کدام بیت با توجّه به آیه‌ی شریفه‌ی ﴿تَعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ﴾ متفاوت است؟ (ریاضی ۹۰)

- (۱) یکی را همی تاج شاهی دهد (۲) یکی را که در بند بینی مخند  
(۳) یکی را دهد تاج و تخت بلند (۴) یکی را ز ماهی رساند به ماه  
(۱) یکی را به دریا به ماهی دهد (۲) مبادا که روزی درافتی به بند  
(۳) یکی را کند خوار و زار و نژند (۴) یکی را ز مه اندر آرد به چاه

۳۲- به مضمون آیه‌ی ﴿تَعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ﴾ در کدام بیت اشاره نشده است؟ (انسانی ۸۸)

- (۱) کلاه سعادت یکی بر سرش (۲) ادیم (= سفره‌ی) زمین سفره‌ی عام اوست  
(۳) یکی را به سر بر نهد تاج بخت (۴) گلستان کند آتشی بر خلیل  
(۱) گلیم شقاوت یکی در برش (۲) بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست  
(۳) یکی را به خاک اندر آرد ز تخت (۴) گروهی بر آتش بَرَد ز آب نیل

۳۳- مفهوم آیه‌ی ﴿تَعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَ تُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ﴾ با کدام بیت متناسب است؟ (هنر ۸۶)

- (۱) آن‌که را کردگار کرد عزیز (۲) آن‌که خود را شناخت نتواند  
(۳) آن‌که عیب تو گفت، یار تو اوست (۴) آن‌که را با طمع سروکار است  
(۱) نتواند زمانه خوار کند (۲) آفریننده را کجا داند  
(۳) و آن‌که پوشیده داشت، مار تو اوست (۴) گر عزیز جهان بود خوار است

- ۳۴- بیت «من نکردم خلق تا سودی کنم / بلکه تا بر بندگان جودی کنم» با مفهوم کدام بیت قرابت معنایی دارد؟ (زبان ۸۵)
- ۱) عشق دریایی کرانه ناپدید
  - ۲) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگی
  - ۳) تو حکیمی تو عظیمی تو کریمی تو رحیمی
  - ۴) نه خلاف عهد کردم که حدیث جز تو گفتم

● آزهائشی سنجش

- ۳۵- مفهوم «نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی» با کدام بیت متناسب است؟ (سنجش ۹۲)
- ۱) نه عجب کمال حسنت که به صد زبان بگویم
  - ۲) تو نظیر من بینی و بدیل من بگیری
  - ۳) مده ای رفیق پندم که نظر بر او فکندم
  - ۴) نه خلاف عهد کردم که حدیث جز تو گفتم

- ۳۶- همهی ابیات زیر اشاره به «ناتوانی انسان از شناخت خداوند» دارند، به جز ..... (سنجش ۹۰) (شناسی ارشد ۹۰)
- ۱) اگرچه جان ما می پی برد راه
  - ۲) با تقاضای عقل و نفس و حواس
  - ۳) هرچه را «هست» گفتی از بن و بار
  - ۴) نه بر اوج ذاتش پرد مرغ وهم

- ۳۷- مفهوم بیت «همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی / همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی» با کدام بیت تناسب دارد؟ (سنجش ۸۶)
- ۱) مهتاکن روزی مار و مور
  - ۲) بشر ماورای جلالش نیافت
  - ۳) عزیزی که هرگز درش سر بتافت
  - ۴) یکی را به سر بر نهد تاج بخت

- ۳۸- صائب در کدام بیت می‌گوید که «بدبختی‌ها نشان‌گر خشم تو و شادکامی‌ها نشان‌دهنده‌ی لطف تو اند؟» (سنجش انسانی ۸۶)
- ۱) سهل است اگر بال و پری نقصان این پروانه شد
  - ۲) پیشانی عفو تو را پرچین نسازد جرم ما
  - ۳) آتش‌فروز قهر تو، آینه‌دار لطف تو
  - ۴) ای دفتر حسن تو را فهرست خط و خال‌ها

- ۳۹- کدام گزینه با دیگر گزینه‌ها ارتباط معنایی ندارد؟ (سنجش ۸۴)
- ۱) نه در ایوان قریش وهم را بار
  - ۲) تا به جایی رسی که می‌نرسد
  - ۳) ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم
  - ۴) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگی

- ۴۰- در همهی گزینه‌ها، به جز گزینه‌ی ..... به یکی از آیات سوره‌ی حمد اشاره شده است. (سنجش ۸۲ و ۸۳)
- ۱) تو نماینده‌ی فضلی، تو سزاوار ثنایی
  - ۲) همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی
  - ۳) ملکا ذکر تو گویم که تو پاکتی و خدایی
  - ۴) همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم

## دوم: نیاش

● سراسری

- ۴۱- بیت «حسنّت به ازل نظر چو در کارم کرد / بنمود جمال و عاشق زارم کرد» با کدام بیت قرابت مفهومی ندارد؟ (زبان ۹۲)
- ۱) کمال حسن تدبیرش چنان آراست عالم را
  - ۲) چه فتنه بود که حسن تو در جهان انداخت
  - ۳) لطف نهان به جلوه آر تا برود دلم ز کار
  - ۴) تا رقص حسن تو زد آسمان



(انسانی ۹۱)

## ۴۲- مضمون همه‌ی ابیات، به‌استثنای بیت ..... با یک‌دیگر تناسب دارند.

- (۱) دانسی که خبر ز عشق دارد؟
- (۲) در ازل بست دلم با سر زلفت پیوند
- (۳) عشق من بر گل رخسار تو امروزی نیست
- (۴) پیش از آب و گل من در دل من مهر تو بود

(زبان ۹۱)

## ۴۳- املاي کدام گروه از واژه‌ها همگی صحیح است؟

- (۱) آتش طور - سمن و سوسن - آهنگ رهیل - سنا و ستایش
- (۲) فرقه‌ی ضالّه - ممدوح و مذموم - المأثر و الآثار - هزای شیر
- (۳) ثقیه و روزنه - سولت حیدری - کشت و ذرع - ضامیم و تعلیقات
- (۴) بت‌الشکوی - تصویری حساب - مهرابی شکل - سفاهت و نادانی

(هنر ۸۹)

## ۴۴- در کدام گزینه همه‌ی ترکیب‌ها «اضافه‌ی استعاری» اند؟

- (۱) خصلت طمع - گردن استکبار - بیابان ضلالت - قالب قصیده
- (۲) جام عافیت - پای تعدی - قدر نعمت - تیه گمراهی
- (۳) حمله‌ی حسد - پرده‌ی عفاف - لجاج شهوت - حوزه‌ی عاطفی
- (۴) فریاد هستی - دامن خاک - روح کلام - صولت خشم

(فارغ از کشور ۸۹)

## ۴۵- مفهوم عبارت «راست باز و پاک باز و امیر باش.» با کدام بیت متناسب نیست؟

- (۱) از کجی به که روی برتابید
- (۲) راستی آور که شوی رستگار
- (۳) به از راستی کس ندارد درخت
- (۴) راستی کردند و فرمودند مردان خدای
- (۱) رستگاری ز راستی بابید
- (۲) راستی از تو ظفر از کردگار
- (۳) که بارش بهشت است و تاج است و تخت
- (۴) ای فقیه اول نصیحت گوی نفس خویش را

(تجربی ۸۷)

## ۴۶- معنی واژه‌های «بیغوله - ملاهی - کتم - انحطاط» به‌ترتیب کدام است؟

- (۱) بی‌فایده - بازیچه - پنهان داشتن - فروآمدن
- (۲) ویرانه - آلات لهو - پنهان داشتن - پست شدن
- (۳) بیچارگی - آلات لهو - جهان نیستی - پستی
- (۴) گوشه‌ای در خانه - نهی شده - پوشیدگی - فروافتادن

(فنی ۸۷، نوبت عصر)

## ۴۷- در کدام گروه کلمات غلط املايي وجود ندارد؟

- (۱) ثروت و غنا - نثر مرسل - خیانت و غدر
- (۲) تفهیم و الغا - ختام و پایان - بُعد و قرب
- (۳) وحشت و هول - اشاعه و ترویج - رزیت اخلاقی
- (۴) سطور منظم - گوشه و بیقول - درنگ و تأنی

(هنر ۸۳)

## ۴۸- معنی درست همه‌ی کلمات «ساطع - حمیت - غازه» به‌ترتیب کدام است؟

- (۱) منتشر - یاری - خوش‌بو
- (۲) تابان - غیرت - معطر
- (۳) درخشان - مردانگی - سرخاب
- (۴) هویدا - پشتیبانی - گلگونه

● آزهایش سنجش ..... >>>

## ۴۹- مفهوم عبارت «الهی، روا مدار که پنهان ما از پیدای ما ناستوده‌تر باشد و در ورای صورت آراسته‌ی ما سیرتی زشت و ناهموار نهفته

(سنجش ۹۲)

## باشد.» با کدام بیت متناسب است؟

- (۱) پدر مرده و ناسپرده جهان
- (۲) ببینیم تا کردگار جهان
- (۳) من آوردمش نزد شاه جهان
- (۴) خنک آن که آباد دارد جهان
- (۱) ندانند همی آشکار و نهان
- (۲) در این آشکارا چه دارد نهان
- (۳) همه آشکارا بکـردم نهان
- (۴) بود آشکارای او چون نهان

(سنجش ۹۱)

## ۵۰- در کدام گروه کلمه غلط املايي یافت می‌شود؟

- (۱) صولت خشم، بیغوله و شاهراه، پای بطلان، ملاهی و مناهی
- (۲) ابداع و آفرینش، خوالیگری چالاک، منش خبیث، تیه گمراهی و ضلالت
- (۳) علل ضعف و انحطاط، قریح و عواطف، وجوه عظمت و نبوغ، ظلم و شقاوت
- (۴) تسبیح و تنزیه، لحن صمیمی و خاضعانه، عنایت یا جذبه‌ی حق، منائت فطرت

## ۵۱- عبارت «پروردگارا، مگذار که معصیت‌ها را - هر چه هم کوچک باشد - کوچک بشمارم و نسبت به ملاهی و مناهی بی‌پروا باشم.» با

(سنجش ۹۰)

## مفهوم کدام بیت تناسب دارد؟

- (۱) دردسر کم ده و کم کش ز بی کار جهان
- (۲) هم‌چو طوفان رسد آتش به همه روی زمین
- (۳) نرم و آهسته به بالینش خرام از سر راه
- (۴) بد اندک مشمر خوار که بسیار شود
- (۱) که نیرزد گلهی نزد خرد درد سری
- (۲) گر برآرم ز تنور دل سوزان شرری
- (۳) حلقه‌ی گیسوی مشکینش بجنبان سحری
- (۴) هست سرمایه‌ی احراق (= سوزاندن) جهانی شرری

۵۲- مفهوم عبارت «الهی، روا مدار که پنهان ما از پیدای ما ناستوده‌تر باشد و در ورای صورت آراسته‌ی ما سیرتی زشت و ناهموار نهفته باشد.» با کدام بیت تناسب دارد؟ (سنجش ۹۰)

- |   |                                       |
|---|---------------------------------------|
| ۱) هم به صورت واله‌ی انوار پیدایت منم   | هم به معنی واقف اسرار پنهانم تویی     |
| ۲) کنون که صاحب مزگان شوخ و چشم سیاهی   | نگاه دار دلی را که برده‌ای به نگاهی   |
| ۳) من غلام نظر آصف عهدم کاو را          | صورت خواجگی و سیرت درویشان است        |
| ۴) صورتت یک‌باره آزادم نمود از قید هستی | پی به معنی برده‌ام در عالم صورت‌پرستی |

۵۳- در متن «مگذار که صولت خشم، حصار بردباری مرا در هم بشکند و حمله‌ی حسد، منائت فطرت مرا به خفت و مذلت فروکشاند. از حمیت‌های جاهلانه، به تو پناه می‌برم. پروردگارا، روا مدار که سر به دنبال هوس بگذارم و در ظلمات جهل و ضلال، از چراغ هدایت به دور اتم و بیغوله را از شاهراه باز نشناسم. به تو پناه می‌برم که از آن چه نمی‌دانم سخن بگویم و راه‌جویان را در تیه گمراهی و ضلالت سرگردان سازم.» چند غلط املایی وجود دارد؟ (سنجش ۸۹)

- |       |       |       |         |
|-------|-------|-------|---------|
| ۱) یک | ۲) دو | ۳) سه | ۴) چهار |
|-------|-------|-------|---------|

۵۴- در متن «مگذار که صولت خشم، حصار بردباری مرا در هم بشکند و حمله‌ی حسد، مناعت فطرت مرا به خفت و مذلت فروکشاند. پروردگارا، از خصلت طمع که دناعت آورد و آبرو ببرد، به تو پناه می‌آورم. روا مدار که سر به دنبال هوس بگذارم و در ظلمات جهل و ضلال، از چراغ هدایت به دور اتم و بیغوله را از شاهراه باز نشناسم و نسبت به ملاهی و مناهی بی‌پروا باشم.» املای کدام واژه غلط است؟ (سنجش ۸۸)

- |          |         |          |         |
|----------|---------|----------|---------|
| ۱) دناعت | ۲) ضلال | ۳) مناعت | ۴) فطرت |
|----------|---------|----------|---------|

۵۵- در عبارت «پروردگارا، از خصلت طمع که دناعت آورد و آبرو ببرد، از بدخویی که دل دوستان بشکند و به دشمنان نشاط و نیرو بخشد، از لجاج شهوت که همت‌های بلند را پست سازد و پرده‌ی عفاف و عصمت چاک زند، به درگاه تو پناه می‌آورم.» گوینده از چه صفاتی دوری می‌طلبد؟ (سنجش ۸۶)

- |                                    |                                  |
|------------------------------------|----------------------------------|
| ۱) دناعت - دل شکستن - لجاجت        | ۲) پست‌همتی - بدخویی - بی‌عفتی   |
| ۳) کم‌همتی - بی‌آبرویی - دشمن‌کامی | ۴) طمع‌ورزی - بدخلقی - شهوت‌طلبی |

۵۶- املای درست واژه‌ها با معانی «غیرت - سرگرمی‌ها - ویرانه - پستی» در کدام گزینه آمده است؟ (سنجش ۸۵)

- |                                   |                                   |
|-----------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) همیت - ملاهی - بی‌قوله - دناعت | ۲) همیت - ملاهی - بی‌قوله - دناعت |
| ۳) حمیت - ملاهی - بیغوله - دناعت  | ۴) حمیت - ملاهی - بیغوله - دناعت  |

۵۷- در عبارت «پروردگارا، پناه‌م بخش تا موجودی خویشتن‌دوست نباشم.» نویسنده از خدا چه می‌خواهد؟ (سنجش ۸۵)

- |                        |                           |
|------------------------|---------------------------|
| ۱) ترک دورویی          | ۲) ترک تنها زیستن         |
| ۳) ترک قناعت و عزت نفس | ۴) ترک خودبینی و خودخواهی |

۵۸- در کدام گزینه غلط املایی نیست؟ (سنجش ۸۵)

- ۱) هدفشان را همواره یکتاگردان و در سایه‌ی صبر و سولت پیروزشان فرمای.
- ۲) پروردگارا، از همیت‌های جاهلانه و عصبیت‌های ناهنجار به تو پناه می‌برم.
- ۳) از آن عطایا و مواهب که به خاطرشان در گنجینه‌ی فردوس برین ذخیره نمودی به آنان بنمای.
- ۴) خاطرش را از غم زن و فرزند پرداز تا غم فراغ ایشان دلش را نشکند و عزمش را ضعیف نسازد.

۵۹- «راست باز و پاک باز و امیر باش.» با همه‌ی گزینه‌ها، به جز گزینه‌ی ..... ارتباط معنایی دارد. (سنجش ۸۴)

- |                             |                            |
|-----------------------------|----------------------------|
| ۱) گر کجی را شقاوت است اثر  | راستی را سعادت است ثمر     |
| ۲) راست زهری‌ست شگرین‌انجام | کج نباتی که تلخ سازد کام   |
| ۳) نقشیم از مصلحت چنان آمد  | کز کژی راستی کمان آمد      |
| ۴) راستی کن که راستان رستند | در جهان راستان قوی‌دست‌اند |

۶۰- مفهوم کدام گزینه با گزینه‌های دیگر متفاوت است؟ (سنجش ۸۲)

- |                                     |                                  |
|-------------------------------------|----------------------------------|
| ۱) در ازل پرتو حسننت ز تجلی دم زد   | عشق پیدا شد و آتش به همه عالم زد |
| ۲) من خفته بدم به ناز در کتم عدم    | حسن تو به دست خویش بیدارم کرد    |
| ۳) حسننت به ازل نظر چو در کارم کرد  | بنمود جمال و عاشق زارم کرد       |
| ۴) دست از مسی وجود چو مردان ره بشوی | تا کیمیای عشق بیایی و زر شوی     |

۶۱- در کدام گزینه غلط املایی وجود دارد؟ (سنجش ۸۱)

- |               |                     |               |                      |
|---------------|---------------------|---------------|----------------------|
| ۱) مناعت فطرت | ۲) حمیت‌های جاهلانه | ۳) جهل و ضلال | ۴) عصبیت‌های ناهنجار |
|---------------|---------------------|---------------|----------------------|

## درس سوم: درآمدی بر ادبیات حماسی

### سراسری

(تجربی ۹۱)

۶۲- در همی ایبات، به جز بیت ..... به زمینه‌ی ملی حماسه، اشاره شده است.

- (۱) همی باسماں شد به پرّ عقاب
- (۲) به جمشید بر گوهر افشانند
- (۳) چو دید آن درفشان درفش مرا
- (۴) به ایوان خرامید و بنشست شاد
- به زاری به ساری فتاد اندر آب
- مر آن روز را روز نو خوانند
- به گوش آمدش بانگ رخس مرا
- کلاه کیانی به سر بر نهاد

### آزمایشی سنجش

(سنجش ۹۲)

۶۳- در همی گزینه‌ها، از زمینه‌های اصلی حماسه، کاربرد «خرق عادت» مشهود است، به جز گزینه‌ی .....

- (۱) بزد تیغ بر گردن اسب خویش
- (۲) بدو گفت رویین تن اسفندیار
- (۳) به غار اندرون گاه دیو سپید
- (۴) چنین گفت سیمرغ کز راه مهر
- سر بادپای اندرافکند پیش
- که ای بدمنش پیر ناسازگار
- کز اویند لشکر به بیم و امید
- بگویم کنون با تو راز سپهر

(سنجش ۹۲)

۶۴- مؤلف کدام اثر، ناشناس است؟

- (۱) حمزه‌نامه
- (۲) اخبار رستم
- (۳) ابومسلم‌نامه
- (۴) حمله‌ی حیدری

۶۵- با توجه به مفهوم ایبات، در کدام بیت زمینه‌های «داستانی»، «قهرمانی»، «ملّی» و «خرق عادت» در ادبیات حماسی، کاربرد

(سنجش ۸۹)

درستی ندارد؟

- (۱) چو پیلی به اسب اندر آورد پای
- (۲) منی چون پیوست با کردگار
- (۳) بدان گاه سوگند پرمایه شاه
- (۴) چو او را بدیدند برخاست غو
- بیاورد چون باد لشکر ز جای (قهرمانی)
- شکست اندر آورد و برگشت کار (داستانی)
- چنین بود آیین و این بود راه (ملّی)
- که آمد ز آتش برون شاه نو (خرق عادت)

۶۶- در شاهنامه نیز وجود سیمرغ، دیو سپید و عمر هزارساله‌ی زال عناصر و پدیده‌هایی هستند که همچون رشته‌هایی استوار، زمینه‌ی

(سنجش ۸۷ و انسانی ۷۹)

..... حماسه را تقویت می‌کنند.

- (۱) تخیلی
- (۲) ملّی
- (۳) قهرمانی
- (۴) داستانی

۶۷- در همی گزینه‌ها، به جز گزینه‌ی ..... «هنجارشکنی» وجود دارد و شاعر، آن چیزی را برمی‌گزیند که مرسوم نیست.

- (۱) نقصان در این بساط بُود خوش‌تر از کمال
- (۲) نشسته‌ایم به خاک سیه ز طبع بلند
- (۳) کرم ز بخل به، اما بخیل به ز کریم
- (۴) از ما طلب یأس کن ای خواجه نه امید
- بدر از هلال پا به رکاب است بیشتر
- سزای آن که طبیعت زمانه ساز نبود
- بخیل هرگز کس را گدا نمی‌خواهد
- کاین جنس متاعی‌ست که در خانه‌ی ما نیست

(سنجش ۸۴)

۶۸- «زور بازو با قدرت تفکر» بیان‌کننده‌ی کدام یک از ویژگی‌های حماسه است؟

- (۱) زمینه‌ی قهرمانی
- (۲) زمینه‌ی ملّی
- (۳) زمینه‌ی داستانی
- (۴) زمینه‌ی خرق عادت

(سنجش ۸۱)

۶۹- کدام گزینه نمی‌تواند مکمل جمله‌ی روبه‌رو باشد؟ «حماسه به شعری گفته می‌شود که .....

- (۱) حوادث خارق‌العاده در آن جریان داشته باشد.
- (۲) زمینه‌ی قهرمانی داشته باشد.
- (۳) عاطفی و احساسی باشد.
- (۴) روایی و داستانی باشد.

## درس سوم: کاوه‌ی دادخواه

### سراسری

(ریاضی ۸۹)

۷۰- کدام بیت بیان‌گر فضای حکومتی «ضحاک» می‌باشد؟

- (۱) ز فکر تفرقه بازای تا شوی مجموع
- (۲) رند عالم‌سوز را با مصلحت بینی چه کار؟
- (۳) خلوت دل نیست جای صحبت اضداد
- (۴) پری نهفته رخ و دیو در کرشمه‌ی حسن
- به حکم آن‌که چو شد اهرمن، فروش آمد
- کار ملک است آن که تدبیر و تأمل بایش
- دیو چو بیرون رود فرشته درآید
- بسوخت دیده ز حیرت که این چه بوالعجبی (= امر تعجب‌آوری) است؟



۷۱- همه‌ی ابیات، به‌استثنای بیت ..... پاسخ مثبت مردم به دعوت کاوه تحت عنوان بیت زیر است: (انسانی ۸۹)

«بپوید کاین مهتر آهرمن است»  
 ۱) چو کاوه برون آمد از پیش شاه  
 ۲) سوی لشکر آفریدون شدند  
 ۳) هم آن‌گه یکایک ز درگاه شاه  
 ۴) همی‌رفت پیش اندرون مردگرد

جهان‌آفرین را به دل دشمن است»  
 بر او انجمن گشت بازارگاه  
 ز نیرنگ ضحاک بیرون شدند  
 برآمد خروشیدن دادخواه  
 سپاهی بر او انجمن شد نه خرد

۷۲- بیت زیر بیان‌گر فرجام کار ..... به دست ..... است. (هنر ۸۹)

«به آزه‌ش سراسر به دو نیم کرد»  
 ۱) فریدون - ضحاک  
 ۲) ضحاک - فریدون  
 ۳) ضحاک - کاوه  
 ۴) جمشید - ضحاک

جهان را از او پاک بی‌بیم کرد»  
 (۴) جمشید - ضحاک

۷۳- همه‌ی ابیات، به‌جز بیت ..... با ابیات زیر قرابت معنایی دارند. (زبان ۸۹)

«جهل و بی‌باکی شده فاش و حلال»  
 ۱) نهان گشت آیین فرزندگان  
 ۲) هنر خوار شد جادویی ارجمند  
 ۳) به یزدان هر آن کس که شد ناسپاس  
 ۴) شده بر بدی دست دیوان دراز

دانش و آزادگی گشته حرام  
 رادمردان بندگان را گشته رام»  
 پراکنده شد نام دیوانگان  
 نهان راستی آشکارا گزند  
 به دلش اندر آید ز هر سو هراس  
 ز نیکی نبودی سخن جز به راز

۷۴- در ابیات زیر به‌ترتیب چه کسانی معرفی شده‌اند؟ (فارع از کشور ۸۹)

منم پور آن نیک‌بخت آبتین  
 یکی بی‌زیان مرد آهنگرم  
 منی کرد آن شاه یزدان‌شناس

که ضحاک بگرفت از ایران‌زمین  
 ز شاه آتش آید همی بر سرم  
 ز یزدان بیچید و شد ناسپاس

۱) سیاوش - کاوه - ضحاک  
 ۲) فرود - زواره - ضحاک  
 ۳) فریدون - کاوه - جمشید  
 ۴) فریدون - فرود - جمشید

۷۵- کدام گروه از ابیات مفهومی مشترک دارند؟ (هنر ۸۸)

الف) منسوخ شد مروّت و معدوم شد وفا  
 ب) اگر هفت کشور به شاهی تو راست  
 ج) هنر خوار شد جادویی ارجمند  
 د) همه سوی دوزخ نهادید روی  
 ه) گشته‌ست بازگونه همه رسم‌های خلق

وز هر دو نام ماند چو سیمرغ و کیمیا  
 چرا رنج و سختی همه بهر ماست؟  
 نهان راستی، آشکارا گزند  
 سپردید دل‌ها به گفتار اوی  
 زین عالم نبیره (= فرومایه) و گردون بی‌وفا

۱) الف - ج - ه  
 ۲) الف - د - ه  
 ۳) ب - ج - د  
 ۴) ب - الف - ه

۷۶- بیت «بسیار منی کرد و ز تقدیر نترسید/ بنگر که از این چرخ جفاپیشه چه برخاست» با کدام بیت تناسب مفهومی ندارد؟ (فارع از کشور ۸۷)

۱) منی چون بپیوست باکردگار  
 ۲) حجت، تو منی را ز سر خویش به در کن  
 ۳) دعوی مکن که برترم از دیگران به علم  
 ۴) کسی در آینه رویی بدین صفت بیند

شکست اندر آورد و برگشت کار  
 بنگر به عقابی که منی کرد چه‌ها خاست  
 چون کبر کردی از همه دونان فروتری  
 کند هر آینه جور و جفا و کبر و منی

۷۷- بیت «نهان گشت آیین فرزندگان / پراکنده شد نام دیوانگان» با مفهوم همه‌ی ابیات، به‌جز بیت ..... متناسب است. (هنر ۸۵)

۱) جهّال در تنعم و ارباب فضل را  
 ۲) دانا بمانده در غم تدبیر روزی‌اش  
 ۳) جاهل به مسند اندر و عالم برون در  
 ۴) این کارها به حکمت یزدان مقدّر است

با صد هزار غصّه یکی نان نمی‌رسد  
 یک ذره غم به خاطر نادان نمی‌رسد  
 جوید کلید و راه به دربان نمی‌رسد  
 کس در رموز حکمت یزدان نمی‌رسد



(ریاضی ۸۳ و کلیه‌ی (شده‌ها ۷۶)

۷۸- «منی چون بیبوست با کردگار / شکست اندر آورد و برگشت کار» یعنی:

- (۱) چون خودخواهی و خودبینی او به جایی رسید که ادعای خدایی کرد، بدبخت شد.
- (۲) غرور را با خداپرستی در هم آمیخت و به همین سبب در برابر شیطان نفس مغلوب گشت.
- (۳) هنگامی که غرور و خودخواهی او را به آفریدگاری رساند، از ادعاهای خودش برگشت.
- (۴) هوا و هوس، انگیزه و سبب شکست او در برابر خواهش‌های نفسانی‌اش شد.

(تجربی ۸۱ و سنجش ۸۱)

۷۹- معنی بیت «هم آن‌که یکایک ز درگاه شاه / برآمد خروشیدن دادخواه» چیست؟

- (۱) بعد از آن به آرامی، نوای عدل و دادگری از همه جا به گوش درباریان رسید.
- (۲) در آن لحظه ناگهان فریاد اعتراض ستم‌دیده‌ای از کاخ شاه بلند شد.
- (۳) در آن زمان پشت سر هم برای عدالت‌خواهی از بارگاه شاه به در آمدند.
- (۴) سپس، اندک‌اندک شاکیان به بارگاه حاکم درآمدند.

(تجربی و هنر ۷۹)

۸۰- با توجه به «شاهنامه»ی فردوسی، پدر فریدون که بود و به چه سرنوشتی گرفتار آمد؟

- (۱) آبتین - مغز سرش غذای ماران شد.
- (۲) سیاوش - در سرزمین غربت کشته شد.
- (۳) کیخسرو - به مرگ طبیعی درگذشت
- (۴) کاووس - در سوگ سیاوش جان سپرد

### ● آزمایشی سنجش

(سنجش ۹۲)

۸۱- مصراع «کسی را نبد بر زمین جایگاه» معادل کدام ضرب‌المثل است؟

- (۱) به جایی نخواست عقاب دلیر
- (۲) جایی که عقاب پر بریزد
- (۳) جایی که برق عصیان بر آدم صفی زد
- (۴) کس از مرد در شهر و از زن نماند
- (۱) که آبی توان هشتن او را به زیر
- (۲) از پشه‌ی لاغری چه خیزد
- (۳) ما را چگونه زبید دعوی بی‌گناهی
- (۴) در آن بتکده جای ارزن نماند

(سنجش ۹۲)

۸۲- معنی واژه‌های «درای، دژم، کتم، بیغوله» به ترتیب کدام است؟

- (۱) ضربه‌ی پتک، غمگین، پنهان داشتن، گوشه‌ای در خانه
- (۲) زنگ کاروان، افسرده، نهان، دیوارهای اطراف شهر
- (۳) ضربه‌ی پتک، هراسان، غیب، اطراف هر آبادی
- (۴) زنگ کاروان، خشمگین، پوشیدگی، گوشه‌ای دور از آبادی

(سنجش ۹۲)

۸۳- در کدام گزینه غلط املایی یافت می‌شود؟

- (۱) جذبه‌ی حق، ذات اقدس، مناعت طبع، شکوه و مهابت
- (۲) زهر و تریاق، ظلمات جهل و ذلال، مضایقت و دریغ، پرده‌ی عفاف
- (۳) صولت خشم، عصبیت‌های ناهنجار، خفت و مذلت، آزمند و حریص
- (۴) منش خبیث، شقاوت و بی‌رحمی، خوالیگری چالاک، مظهر اهریمن

(سنجش ۹۲)

۸۴- با توجه به ابیات، کدام واژه، داخل کمانک درست معنی شده است؟

- (۱) به ره چون روی هیچ تنها می‌وی
- (۲) به زخم تیر غزا بیخ کافران برکند
- (۳) براندیش از افتان و خیزان شب
- (۴) رخ لاله‌رخ گشت چون سندروس
- (۱) نخستین یکی نیک هم‌ره بجوی (مپوی: تلاش مکن)
- (۲) چو دید روی علی را و حال پیغمبر (غزا: پیکار)
- (۳) که رنجور داند درازی شب (براندیش: تأمل کن)
- (۴) به پیش سپهد زمین داد بوس (سندروس: سرخ رنگ)

(سنجش ۹۲)

۸۵- هریک از آثار «زادالعارفین» و «چشمه‌ی روشن» به چه کسی تعلق دارد؟

- (۱) ناصر خسرو - محمدعلی فروغی
- (۲) خواجه عبدالله انصاری - غلامحسین یوسفی
- (۳) خواجه عبدالله انصاری - محمدعلی فروغی
- (۴) ناصر خسرو - غلامحسین یوسفی

(سنجش ۹۰)

۸۶- مصداق کلام سعدی «هر که دست از جان بشوید، هر چه در دل دارد بگوید» در همدی ابیات، به جز بیت ..... مشهود است.

- (۱) یکی بی‌زیان مرد آهنگرم
- (۲) شماریت با من ببايد گرفت
- (۳) اگر هفت کشور به شاهی تو راست
- (۴) بدو گفت مهتر به روی دژم
- (۱) ز شاه آتش آید همی بر سرم
- (۲) بدان تا جهان ماند اندر شگفت
- (۳) چرا رنج و سختی همه بهر ماست؟
- (۴) که برگوی تا از که دیدی ستم؟

(سنجش ۹۰)

۸۷- در بیت «گران‌مایه فرزند او پیش او / از ایوان برون شد خروشان به کوی» مرجع ضمیر «او» کیست؟

- (۱) کاوه
- (۲) ضحاک
- (۳) آبتین
- (۴) فریدون